



خیلواکی

استقلال

www.esteqalaal.net

چهارشنبه ۱۰ دسمبر ۲۰۲۵

ف، هیرمند

ارزش های حقوق بشر در حال تعلیق و نزع

دهم دسامبر امسال مصادف است با هفتاد و هفتمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در تمام دنیا به نحوی از آن یادآوری و تجلیل به عمل آورده می شود، در این تجلیل ها از حقوق اساسی انسان، رعایت و احترام به آن و همچنان از تطبیق و اجرای ارزش های حقوق بشری و نیز از نقض، زیر پا کردن ها و بی توجهی و پشت پا زدن به آن گزارش داده می شود. اما از چندی به این سو انگار ارزش های مندرج آن اعلامیه دگر در جهان ما منسوخ شده باشند، نه کسی از اعتبار و اهمیت و رعایت مزایای آن حرفی میزند و نه کسی هم از نقض صریح و بی باکانه اصول آن شکایت و فریادی بلند میکند.

...و اما وضعیت حقوق بشر در این اخیر سال 2025 چگونه خواهد بود؛ رعایت ارزش های شامل اعلامیه حقوق بشر توسط دولی که به میثاق های حقوق بشری خویش را پایبند نه ساخته اند، یک امر الزامی نه، بلکه یک وجبیه اخلاقی شمرده می شود وقتی این دول در برابر کدام ارزش حقوق بشری خلاف رفتاری کنند، صرف تقصیر اخلاقی را مرتکب شده اند و نه نقض کدام تعهدی که به آن پایبند باشند که فکر می شود ایالات متحده آمریکا، کانادا، کیوبا، چین، روسیه و... در این دسته شامل اند. اما دولت های که به میثاق های حقوق بشری پیوسته اند در برابر نقض اصول مندرج میثاق های حقوق بشری مسئولیت داشته و پاسخگو می باشند. به همین سبب دول زورگو و یا دول پیرو یک ایدئولوژی مخالف ارزش های حقوق بشری، از پیوستن به میثاق های نامبرده اجتناب ورزیده اند.

ولی ما امروز در شرایطی به سر می بریم که حتی دولت های که به میثاق های حقوق بشری هم ملحق اند، در رعایت اصول حقوق بشری بی اعتناء بوده و با بی اعتنایی و خاطر جمع آن اصول را زیر پا میکنند و یا در تجاوز و زیر پا شدن این اصول در سایر نقاط، دیگر از خود واکنش مخالف نشان نه داده و به صراحت آنرا محکوم نمی نمایند، این بدان معنی است که ارزش زدایی و بی

اعتبار سازی ارزش ها و اصول حقوق بشری از سوی چند دولت، زمینه را برای تعمیم نقض حقوق بشر و در نهایت منتفی کامل آن مساعد میگرداند.

در اینجا صحبت از مسائل فورمالیته و تشریفاتی نیست، بلکه بحث بر سر حقوق بنیادی بشر است که حق زندگی، حق مصونیت حیات، حق مصونیت تمامیت جسمی انسان، حق داشتن ماحول امن و متضمن صلح و اطمینان به آن، حق تساوی با سایر افراد انسانی، حق برابر بودن با دیگران، حق بلند کردن صدای اعتراض در نقض اصول حقوق بشری و... را در بر دارد و در جمله همان حقوقی اند که در اعلامیه و میثاق های بین المللی و منطقه ای حقوق بشر تسجیل گردیده اند و این حقوق در زمره حقوق بنیادی انسان ها شمرده می شوند که نمی شود و نباید چشم پوشی و خدشه وارد شدن به آنها را سرسری انگاشت.

به خاطر داشته باشیم که تعاریف و تفاسیر امروزی از حقوق بشر نسبت به تفاسیر و تعاریف دیروزی خیلی ها دقیق و عمیق بوده و تازه ترین پدیده های امروزی که احیاناً به حقوق بنیادی انسان متعرض و مخرش باشد را شامل میگرداند، طور مثال "هوش مصنوعی" به سادگی می تواند حقوق بنیادی انسان را نقض کرده و به آن تجاوز نماید.

اما چگونه می توان از ارزش ها، اصول یا پرنسیپ هایی تجلیل به عمل آورد که در هر گوشه و کنار دنیا توسط زورگویان و حاکمان جبار سیاره، با بی رحمی و بی اعتنائی له شده و بی اعتبار اعلام میگردد. فراتر از آن اصول بنیادی مندرج در اسناد مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد، میثاق های حقوق بشری (میثاق اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی 1951، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی 1966، میثاق امریکایی حقوق بشر، میثاق افریقایی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه به شدت مورد هجوم و تجاوز اند.

نقض صریح و عریان حقوق بشر در غزه، در اوکراین در نایجیریا در سودان، در ساحل، حال در حواشی و شاید در ونزوئلا، در ایران، در پاکستان و... فجایع آشکار و عریانی اند که لکه ننگ بر جبین انسانیت امروز چسبانده اند.

تلاش ها در بی اعتبارگردانی نقش سازمان ملل متحد و ارگان های بین المللی مرتبط به حقوق بشری نظیر شورای حقوق بشر، محکمه جزایی بین المللی (ICC) سازمان صحت جهان و چند ارگان دیگری که حد اقل اصل برابری دول در مسایل انسانی را معاونت و مواظبت میکردند نیز از سیاست های زورگویان است که ابزار اجرایی حقوق بشر را در هم می کوبند.

جنگ جهانی دوم که برای نسل همان زمان درس های بزرگی جهت حفاظت از صلح و ثبات و حفاظت از روند عادی و مشروع پیشرفت نظام مسالمت آمیز و به دور از جنگ و تحقق یک ماحول مناسب در مسیر حفظ صلح جهانی را فرا داده بود، سبب تعهدات بنیادی و اساسی ناظر به رعایت حقوق بشر میان قدرت های همان دوره گردید که برخی از آن قدرت ها – ولو با تغییر وضعیت شان – تا هنوز در مواظبت و یا در درهم شکنی و ایجاد بحران ها، موقعیت شان را نگه داشته اند، گرچه آن زمان با آغاز جنگ سرد توأم بود، و استعمار هنوز یک فعل و تخلف نامشروع شناخته نه می شد و گرچه که در تصامیم بزرگ فرا ملی دول قدرت مند، دست بالا داشتند. با آنهم دول عقب نگه داشته شده به اتکای همین اسناد حقوقی، حقوق بشری و آزادی های شان را تعریف و مطرح می نمودند. از سوی رعایت منشور ملل متحد و میثاق های بین المللی حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه باعث میگردید که نظم نسبی بین المللی محترم شناخته شود و هر غارت و چپاول زورگویان حداقل در یک محدوده قابل توجیه به عمل آید، ولی اما امروز دگر آن انتباء جنگ جهانی دوم فراموش شده و در جهان ما روح شیطانی حرص و آز غارت و چپاول حکم می راند. انگار دنیا منتظر فاجعه بزرگ دیگری باشد که همچو جنگ قبلی منبع انتباء برایش درس ارجحیت صلح و مسالمت را باز به ارمغان آورد.

منشور ملل متحد نیز که به یک صورتی دولت ها را در امر رعایت و مواظبت از ارزش های حقوق بشری معطوف می نماید، ضابطه ها و احکام مندرج آن با سماجت و پررویی از سوی دولت های زورگو و قلدر جهان نقض شده و نادیده گرفته می شود.

اگر به تاریخ انفاذ منشور ملل متحد (14 اکتوبر 1945) و تاریخ صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاه کنیم، ملاحظه میگردد که منشور نسبت به اعلامیه اولتر نافذ شده است، به بیان دیگر منشور منبع برای صدور یک اعلامیه حقوق بشر دانسته می شود، زیرا بعد از تشکیل سازمان ملل متحد همین منشور است که بار نخست از یک ارزش حقوق بشری یاد آوری میکند، در فصل اول -اهداف و اصول – در ماده "1" در پراگراف "3" منشور چنین موافقت و تصویب گردیده است: «حصول همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی که دارای جنبه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.»

بر اساس همین پراگراف است که متن اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب و اصدار یافت، ماده "1" اعلامیه چنین مشعر است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» تمایلات افراطی راست و چپ در طول زمان در تبلیغات و ایدیولوژی شان به شدت "اصول حقوق بشری" را تخریب و آنرا محصول جناح های سرمایه داری دنیا می خواندند، اما گذشت زمان نشان داد که فقدان و عدم دسترسی به اصول حقوق بشری در کشورها چگونه باعث نظام های توتالیتار و مستبد گردید (کمبودیای پولپوت...، افغانستان پرچمی ها و خلقی ها، چیلی پینوشه، سوریه، ایران و...) دقیقاً همین ها و تمایلات مسلط بر آنها به طور گسترده حقوق بشری کشور های شان را نیست و نابود کردند، همین ها بودند که بر ضد اصول حقوق بشری گلو پاره میکردند، تأریخ ثابت ساخت که دولت های مستبد در ازای حذف اصول حقوق بشری، برای انسان، حیات و خوشبختی اش چه ارزش و پاسخی را در بغل داشتند.

رویداد های مخالف ارزش های حقوق بشری که قسماً تذکر یافت، نشانگر آن است که نیروهای ابلیسی در سیاره ما در حال درهم کوبیدن جدی اصول حقوق بشری قرار دارد. ما در جهانی به سر می بریم که اصل رعایت اصول و ضابطه های بنیادی و اساسی حقوق انسان و جامعه اش در حال تخطئه، کم رنگ سازی و بی اعتبارگردانی است، توجه داشته باشیم که بی باوری، و ارزش زدایی بالخصوص از اصول بنیادی حقوق بشر به نفع و تأیید اعمال غارتگران و مشروع انگاشتن افعال شان می انجامد، باید زورگویان را از ارتکاب اعمال ضد حقوق بشری شان مسئول و پاسخگو دانست.

پایان